

آشنای با دو کتاب تازه چاپ

در زمینه فرهنگ ایران باستان

در ظرف دو ماه اخیر شاهد انتشار دو کتاب از سوی " بنیاد انتشارات فرهنگ آریائی " هستیم . نخستین کتاب تحت عنوان " اندرز نامه‌های پهلوی " و دومین تحت عنوان " آموزش‌های زرتشت پیامبر ایران درباره روش اندیشیدن و کامیاب شدن در زندگی " نوشته تهمورس ستنا ، ترجمه موید رستم شهزادی است .

کتاب نخستین یعنی اندرز نامه‌های پهلوی ، شامل ترجمه دو متن بسیار ساده و کوچک پهلوی تحت عنوان " اندرز آدریا دمهر اسپندان " و " اندرز خسرو قبادان " است . چاپ اول این " اندرز نامه‌ها " در سال ۱۳۴۶ خورشیدی منتشر شد ؛ با وجود آنکه در چاپ اول نواقص بسیار دیده می‌شد ، مع هذا چاپ دوم نیز بدون هیچ گونه تغییر و اصلاحی ، همانند چاپ اول ، بچاپ رسیده و در دسترس مشتاقان و علاقمندان قرار گرفته است . در صورتیکه مترجم در چاپ اول وعده داده است که در چاپ دوم اصلاحاتی خواهد نمود ، مع هذا این کار جز وعده‌ای بیش نیست .

کتاب دارای یک پیش‌گفتار در سه صفحه است . سپس مقاله‌ای تحت عنوان " یکتا پرستی زرتشتیان " آمده است که با عنوان فرعی رویهم رفته ۲۸ صفحه‌ی کتاب را در بر گرفته است که مطالعه‌ی آن برای کسانی که آگهی زیاد از مزدیسناندارند ، بی‌فایده نیست . بعد از این مقدمه ، مترجم حروف الفبای دین دبیره و الفبای پهلوی را با ذکر مثال نموده است که در فرصت مناسب تری باید درباره آن بحث و گفتگو کرد .

از صفحه ۳۴ تا صفحه ۷۰ این کتاب دو متن پهلوی با عنوان " اندرز آدر باد مهر اسپند " و " اندرز خسرو قبادان " و ترجمه فارسی آنها آمده است . نصفه از متن پهلوی منقول در این کتاب از کتاب " اخلاق ایران باستان " اوست یا کلیشه‌سازی شده است و بقیه را مترجم با خط خود نویسانده است که چندان خوش خط هم نیست .

بهتر این بود که مترجم محترم از متن اصلی انتقادی روانشاد دستور جاماسب جی جاماسب آسا در کتاب متون پهلوی چاپ ۱۸۹۷ - ۱۹۱۳ با مشخصات زیر استفاده مینمود :

The Pahlavi texts , Edited by: Jamasp Dastur Minucher

jamasp asa ; Bombay - 1913 .

اگر کتاب فوق الذکر در دسترس نبود، ممکن بود از متنی که در شماره‌ی زمستان سال یازدهم نشریه دانشکده ادبیات تبریز توسط آقای دکتر ماهیار نوایی ترجمه شده است استفاده می‌شد. یا اینکه ممکن بود از کتاب اندرز نامه پهلوی ترجمه روانشاد "دستور خدایار دستور شهریار ایرانی، که بدون شک مترجم از آن آگاهی داد، نقل می‌شد تارنچ رونویسی و تمرین مشق خط پهلوی را از خود دور مینمود.

اندرزآدریاد مار اسپند که بوسیله‌ی روانشاد دینشاه ایرانی (سلیستیر) بانگلیسی ترجمه شده سپس توسط مرحوم عبدالحسین سینتا بفرسی برگردانیده شده است و در صفحات ۹۶-۱۰۰ کتاب "اخلاق ایران باستان" به چاپ رسیده است. این کتاب در ایران و هندوستان به چاپ‌های مکرر رسیده است. "اندرز انوشه روان خسرو قبادان" نیز در صفحات ۱۰۱-۱۰۲ کتاب نامبرده آمده است، ترجمه هیچ کدام از این دو رساله که در کتاب "اخلاق ایران باستان" آمده است، دقیق و علمی نیست زیرا از زبان انگلیسی بفرسی برگردانیده شده و خواه ناخواه تا اندازه‌ای از اصل به دور افتاده است. معمولاً وقتی کتاب (آنهم کتاب پهلوی) برای دفعه دوم یا سوم ترجمه می‌شود انتظار خوانندگان این است که از ترجمه‌های پیش از خود بهتر و درست‌تر باشد که متأسفانه این امر برای کتاب آقای آذر گشسب صادق نیست، ترجمه آقای آذر گشسب، علاوه بر آنکه نمی‌تواند با ترجمه‌های پیش از خود یعنی ترجمه روانشاد ملک الشعرا ی بهار و آقای دکتر ماهیار نوایی برابری نماید، باید گفت که چندان علمی و دقیق هم نیست. برای کسانی که جز این ترجمه به ترجمه‌ی دیگری دسترسی نداشته باشند مطالعه آن مفید است.

با وجود آنکه در پاورقی صفحه‌ی ۳۵ شماره یک نوشته شده است که: "تا حد توانائی کوشش شده است که ترجمه تحت‌اللفظی باشد تا برای دانش پژوهان و نوآموزان زبان پهلوی مفید واقع شود." مع هذا ترجمه بسیاری از جملات تحت‌اللفظی نیست بلکه با متن پهلوی مفارقت نیز دارد. در بسیاری موارد، واژه‌هایی به جملات افزوده شده است، که بنا بر روش مترجمین این‌گونه کتب، بهترین بود که در [] گذاشته شود تا خواننده متوجه شود که چنین واژه‌ای در متن نبوده بلکه از طرف مترجم افزوده شده است.

ترجمه اندرز شماره ۱۵ که مترجم آن را به: "پیش از پاسخ دادن اندیشه‌نا" ترجمه نموده است و در یادداشت صفحه ۲۴ نوشته اند که: "این جمله مشکل است و ترجمه‌ی درست آن معلوم نشد، ترجمه تقریبی است." بنظر اینجانب یکی از روشن‌ترین و آسان‌ترین جملات این اندرزنامه، همین جمله است که نیازی به هیچ گونه تردید و دودلی نیست و ترجمه آن: "پس و پیش پاسخ به پیمانان گیر." است که خود یک مصرع شعر به بحر تقارب است. مرحوم ملک‌الشعرا ی بهار که ترجمه منثور و منظوم از این اندرزنامه منتشر نموده است،

شاید ترجمه^۶ همین جمله انگیزه شده است که اندرزنامه را به بحر تقارب برشته نظم بکشد. این چند نمونه که در اینجا ذکر کردم، برای اهل فن کافی است که دریابند ترجمه از چه مقوله‌ای است. اگر بخواهم تمام موارد را نشان دهم باندازه خود ترجمه خواهد شد و بیش از این وقت گرانبهای خوانندگان را نمی‌گیرم. امید است که اگر این کتاب به چاپهای دیگر رسید، اصلاحات لازم در آن بعمل آید تا مطالعه آن برای اهل تحقیق نیز مفید باشد. بامید آنروز.

و اما کتاب دوم که عنوانش "آموزشهای زرتشت - پیامبر ایران" توسط آقای موبد - رستم شهزادی واز روی چاپ دوم کتاب نویسنده‌ی بنام آقای تهمورس رستم جی ستنا T.R. sethna بفارسی برگردانیده شده است. آقای تهمورس ستنا آنطور که از پشت جلد کتاب بر می‌آید از پاریس مقيم کراچی (پاکستان) است. آنطور که نویسنده در مقدمه نوشته است کتاب را در برابر پرسش یکی از فرزندانش نوشته است. سرود هائی که در این مجموعه آمده است مستقیماً از زبان اوستا ترجمه نشده، بلکه از ترجمه‌های انگلیسی و گجراتی انتخاب شده که معلوم نیست آن ترجمه‌ها خود تا چه حد درست باشد (۱) زیرا گاتها یکی از مشکل‌ترین قسمت‌ها زمانده^۷ اوستاست و کمتر کسی تا کنون توانسته است به کنه مطالب آن آگاهی حاصل نماید هر کس با دید خود و بقدر فهم خود آن را ترجمه و تفسیر کرده اند، درباره ترجمه روان‌شاد دکتر ایرج ناراپور والا که بهترین و مفصل‌ترین است، نیز گفتگو بسیار است که جای بحث آن در این مختصر نیست. همانطور که غزلیات حافظ بدون عنوان است، قطعات گاتها نیز بدون عنوان است و اگر آقای ستنا برای هر قطعه عناوینی انتخاب کرده است براهنمائی سلیقه‌ی شخصی است و مقداری از آن نیز از کتاب "تعلیمات زرتشت" ترجمه رشید شهردان، بمبئی، ۱۳۱۱ شمسی، برگزیده شده است. در ترجمه بسیاری از عناوین که برای قطعات گاتها، برگزیده شده است، با آنچه نویسنده نوشته است، هم آهنگی ندارد و از اصل بدور افتاده است. ترجمه کتاب با مقدمه و پیش‌گفتار و غیره در ۸۸ صفحه است که در صفحه آخر چیزی نشان نمیدهد که کتاب تا اینجا پایان رسیده است و گویا ترجمه بخشی از کتاب در این چاپ فارسی نیامده است. در خاتمه بدو نکته اشاره می‌شود، تا اگر کتاب بجایهای دیگر رسید رعایت نمایند. نخست اینکه عنوان کتاب را "بخشی از کتاب آموزشهای زرتشت - پیامبر ایران" با ترجمه و تلخیص از کتاب "آموزشهای زرتشت - پیامبر ایران" برگزینند.

دوم که از همه مهم‌تر است، این نکته است که در ترجمه قطعات بفارسی مترجم محترم از ترجمه‌های مختلف فارسی مانند ترجمه روان‌شاد پورداود و پروفیسور شوشتری و رشید شهردان و آذرگشوب سود جسته است که بهتر این بود مترجم محترم در پاورقی یاد آور می‌شد که

های و هو

گفت با قورباغه بزمجه
شب در استخرهای وهو فکنی
از تو شد انقلاب در استخر
دعسوی و حجت و دلیل تو چیست
ورجه و رجه کنار آب دویسد
پس به بزمجه سخت کرد خطاب
همه از شعر نو بود سختم
با ادا و اصول میخوانم
هست از شعرا بتکاری من
این بدیع و عروض و قافیه چیست
لاجرم شعر نو بهم بستم
کآنچه بی معنی است میخواند
پس چه حاجت به حجت است و دلیل
خوشر است از نسوای نقاره
مثلی کز قدیم بشنیدم

آن شنیدم بناله و ضجه
کز چه رو باد در گلو فکنی
زد چو فواره آب در استخر
اینهمه بحث و قال قیل تو چیست
قورباغه چو این سخن بشنید
شیرجه زد نخست در دل آب
که من اینجا خطیب انجمن
شعر نو آنچه بر زبان رانم
اینهمه شور و بیقراری من
شعر نو تحت وزن و قافیه نیست
من چو این علم ها ندانستم
معنی شعر نو کسی داند
همه کاری چو گشته زار و علیل
شعر نو با صدای فواره
گفت بزمجه حال فهمیدم

رو ببالا چو آب رفتن کرد

وزغ آهنک شعر گفتن کرد

ترجمه هر قطعه را از کدام کتاب برگزیده است، تا خواننده ایکه در پی تحقیق است بتواند
باصل مراجعه کند.

در این ترجمه هیچ روش علمی دقیق بکار گرفته نشده است و پیداست که مترجم بضرط
العجل کار را به پایان برده است. امید است که این چند یادآوری مختصر به آقایان موبد
آذرگشسب و شهزادی گران نیاید. زیرا انتظار دوستداران فرهنگ ایران باستان از این دو
موبدزاده که رسالتی عظیم بر عهده دارند بیش از اینهاست. مزید پیروزی هر دورا خواهانیم
و بانتظار آثار قلمی بیشتر ایشان.

اردیبهشت ۲۵۳۷هـ شاهنشاهی